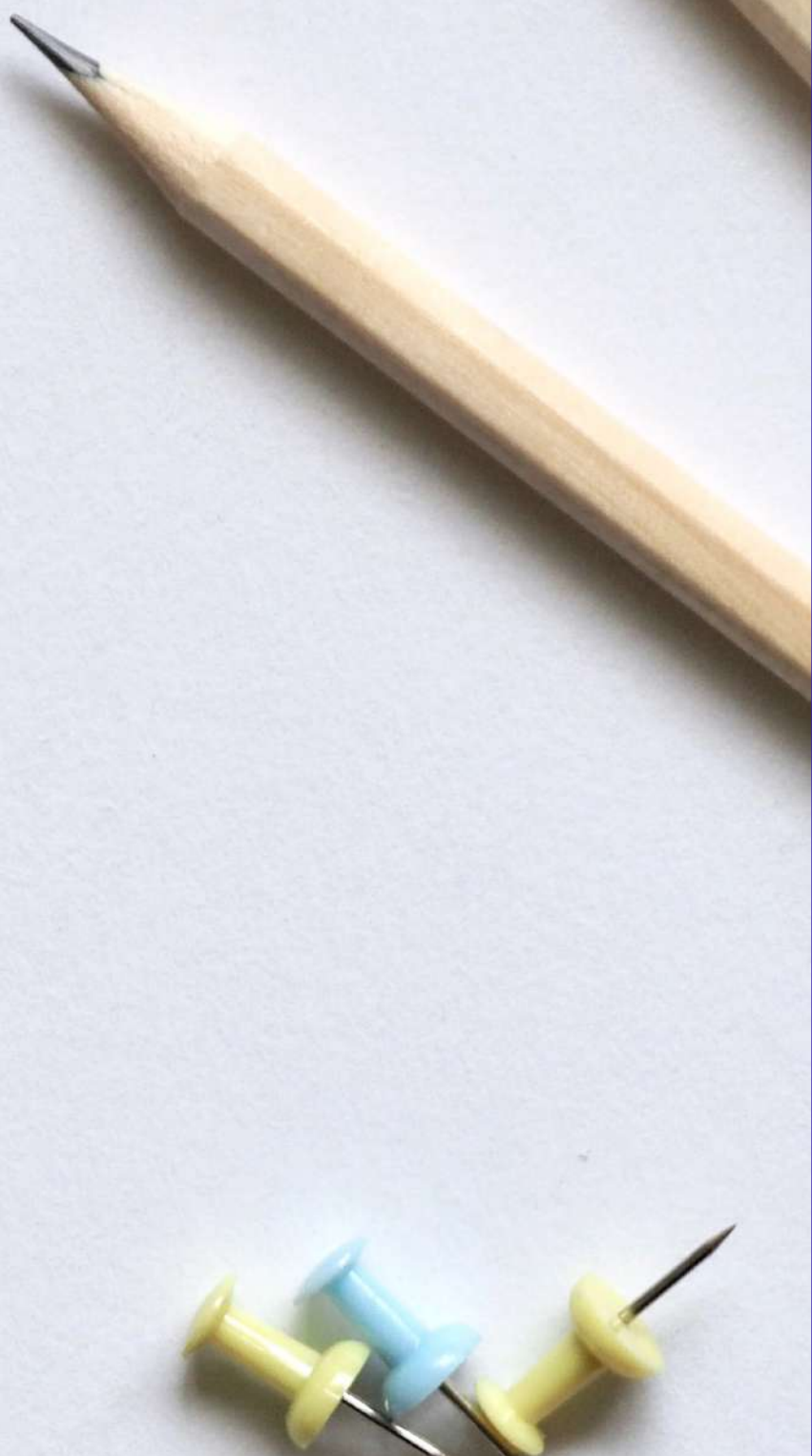


مجله تیر ۹۹

سرزمین تیزهوش‌ها

مرجع آموزشی همه دانش‌آموزان باهوش سرزمینمان، ایران





مدیر مسئول: عادل طالبی

مدیر اجرایی: شیرین محمدی

صفحه‌آرا و طراح گرافیک: یاسمن مرادی

منبع: سایت تیزلند

تاریخ نشر: تیر ۹۹

فهرست مطالب:

بحث‌های فلسفی ریاضیات و خواندن و نوشتن را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند!

آموزش مجازی چه مزیت‌هایی برای ما دارد؟

آموزش در فضای مجازی چه معایبی دارد؟

چگونه می‌توانیم زرنگ‌ترین دانش‌آموز مدرسه شویم؟

چگونه می‌توانیم کودک چهارساله را به نقاشی ترغیب کنیم؟

مغز چگونه آگاهی را به وجود می‌آورد؟

بحث‌های فلسفی ریاضیات و خواندن و نوشتن را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند!

بحث‌های فلسفی درباره حقیقت، انصاف یا مهربانی بر پیشرفت ریاضیات و خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دبستانی تأثیری اندک و در عین حال مهم می‌گذارد.

تمام شاخص‌ها هرچند اندک - اما مثبت هستند و این «آزمایش» نسبتاً کم‌هزینه است.» گورارد گفت نمی‌تواند توفیقِ مباحث را در بهبود درسی غیرمرتبط همچون ریاضیات توضیح دهد. اما

به نظر وی چنین بحث‌های

آزادی در کلاس‌های

ابتدایی معمول نبوده

و هدفش آنست که

کودکان بیشتر درگیر

شوند و مدرسه

را لذت‌بخش‌تر

یابند. به گفته

وی «این رهیافت،

خاص است و ثابت

شده که تأثیری مثبت

بر موفقیت تحصیلی

دارد، اما پیش از آنکه

نتایجی قاطع بگیریم، باید

منتظر بازتاب پیامدهایش باشیم.»

دانشگاه دورهام برای پژوهش بیشتر، از بنیاد

نوفیلد (noitadnuoF dleffiuN)، بودجه دریافت کرده

است. همچنین بر اساس گزارش‌ها، رفتار و روابط کلاسی

معلمان و دانش‌آموزان بهبود یافته و قوت قلب در گفتار،

شکیبایی در هنگام گوش سپردن به دیگران و عزت نفس

دانش‌آموزان تقویت شده است. برخی از معلمان گفتند که

این بحث‌ها بر مشارکت کلاسی تأثیری مثبت داشته است

و امکان دارد که در برخی از دانش‌آموزان، طرح پرسش‌های

بیشتر را در تمام درس‌ها موجب شده باشد. جنبش فلسفه

برای کودکان در دهه ۲۰۹۱ و در ایالات متحده آغاز شد.

بحث‌های فلسفی درباره حقیقت، انصاف یا مهربانی بر پیشرفت ریاضیات و خواندن و نوشتن دانش‌آموزان دبستانی تأثیری اندک و در عین حال مهم می‌گذارد.

اما متخصصان هنوز نمی‌دانند که

چرا چنین است. بیش از ۰۰۰۳

شاگرد در مدارس ابتدایی

دولتی سراسر انگلستان

در آزمایشی یکساله

شرکت کردند. این

آزمایش بخشی

از مطالعاتی بود

که «فلسفه برای

کودکان» نام دارد.

این آزمایش نشان

داد که سطح «مهارت»

خواندن و ریاضیات آنها

به اندازه دو ماه تدریس

تقویت شد. مطابق با یکی از

ارزیابی‌های دانشگاه دورهام، این

نتایج نشان می‌دهند که پیشرفت دانش‌آموزان

مستعد در مدارس با تغذیه رایگان سریع‌تر است. این

امر ثابت می‌کند که تکنیک مذکور «در کوتاه مدت»

می‌تواند «فاصله‌ای را که بر اثر فقر، در موفقیت تحصیلی

«میان کودکان محروم و بهره‌مند» به وجود آمده است،

کاهش دهد.» در این آزمایش، منظم‌اً جلساتی را به

دانش‌آموزان ۸ تا ۱۱ ساله مقطع «ابتدایی، دوم، اختصاص

می‌دادند. مشخصه این جلسات، بحث‌هایی بود که توسط

دانش‌آموزان درباره موضوعاتی همچون انصاف یا خشونت

پیش می‌رفت. به معلمان آموزش‌هایی خاص داده بودند

که هنگام حضور کودکان در بحث، به عنوان ناظر و حکم

عمل کنند. استفن گورارد (draroG nehpetS)، استاد

آموزش و پرورش در دورهام و بانی این ارزیابی، چنین

گفت: «به گمان من، این مطالعه جالب توجه است.



برای خواندن مقاله کیوآر را اسکن کنید

نویسنده: اعظم پیکانی

آموزش مجازی چه مزیت‌هایی برای ما دارد؟

امروزه محصلان به یاری فضای مجازی در جریان آموزش قرار می‌گیرند. حال باید دید که آیا چنین آموزشی به یادگیری مطلوب می‌انجامد و می‌توان با دید مثبت آن را دنبال کرد یا خیر؟

معلم با بهره‌گیری از چنین امکاناتی در آموزش برخی دروس، با تلاش کمتری می‌تواند موضوع را تفهیم کند. به عنوان مثال معلم در درس علوم موظف است که وسایل آزمایش را فراهم کرده و با صرف وقت بسیار به آزمایش بپردازد، اما در فضای مجازی می‌تواند فیلم آزمایش را بارگذاری کرده و پس از تماشای شاگردانش، با آن‌ها به بررسی موضوع بپردازد. در دسترس بودن محتوای آموزشی در فضای مجازی، یکی دیگر از مزیت‌های این نوع آموزش می‌باشد. در کلاس مجازی اگر دانش آموزان حاضر نبودند یا مطلب به خوبی برایشان تفهیم نشد، می‌توانند به سراغ فایل‌های موجود در کلاس بروند و آن‌ها را ذخیره کرده و چندین بار مورد بررسی قرار دهند تا ایراداتشان برطرف شود. فضای مجازی، زمینه فعالیت محوری را فراهم می‌کند. در آموزش حضوری به علت محدودیت زمان و بهره‌گیری معلم از چند امکان آموزشی، تدریس گاهی حالت یکنواخت به خود گرفته و دانش آموزان منفعلانه به مطالب گوش داده و با اندکی تلاش ذهنی یاد می‌گیرند اما این نوع یادگیری چندان دوام ندارد. در فضای مجازی معلم در دسترس نبوده و دانش آموزان نمی‌توانند به کرات از او سوال کنند. آن‌ها مکلف هستند که با توجه به فایل‌ها و فیلم‌های ارسالی معلم، مطالب را دنبال کنند تا بتوانند پاسخگوی مسائل کتاب باشند. از این رو همواره به تلاش و مطالعه برای یادگیری می‌پردازد. یادگیری‌ای که با تلاش و پیگیری آنها اتفاق افتاده، به مراتب بسیار عمیق‌تر و ماندگارتر از یادگیری‌ای است که در کلاس‌های حضوری از طریق سخنوری معلم شکل می‌گیرد.

صرفه‌جویی در هزینه و زمان، یکی از مزیت‌های بسیار مهم در رابطه با آموزش مجازی است. این نوع آموزش انعطاف‌پذیر بوده و هر فرد در هر زمان و مکان می‌تواند به یادگیری بپردازد. فرد یادگیرنده به جای این که زمان زیادی را برای رفت و آمد صرف کند و هزینه‌های گزافی را برای شهریه و خرید کتاب‌های آموزشی (که بعضاً محتوای چندان مطلوبی هم ندارد) صرف کند، می‌تواند با دانلود

در عصر حاضر پیشرفت‌های بسیاری در دنیای ارتباطات ایجاد شده است و مردم به واسطه تکنولوژی‌های جدید به ارتباط با یکدیگر می‌پردازند. آموزش نیز همچون سایر تعاملات، تحت تاثیر این تکنولوژی‌ها بوده و خواهد بود. از این رو در ادامه به بررسی مزیت‌هایی که آموزش مجازی به همراه دارد، پرداخته می‌شود.

یادگیری مستقل، یکی از مهم‌ترین آیت‌های آموزشی است که زمانی که فرد به آن دست یافت، می‌تواند تا پایان عمر بسته به توان ذهنی و موقعیت خود به یادگیری مباحث علمی بپردازد. در جریان یادگیری مستقل فرد باید بر اساس نیازها و ویژگی‌های خود مطالب آموزشی را دنبال کند. زمانی که دانش آموز در فضای مجازی به پیگیری مطالب می‌پردازد، تلاش می‌کند با آزمون و خطاهای بسیار و بدون اتکا به معلم مسائل را حل کند و برای مباحث جدید آماده شود. در این جریان است که او رفته رفته به یادگیری مستقل دست می‌یابد. تجربه نشان داده که دانش آموزان و دانشجویانی که با تلاش و پیگیری خود به یادگیری مستقل دست یافته‌اند، در آزمون‌های مختلف موفق عمل کرده و در برهه‌های بعدی به خوبی از پس فعالیت‌های آموزشی و کاری برمی‌آیند.

به روز بودن محتوا، یکی از امکانات و مزیت‌های آموزش مجازی است. محتوای رسمی و مکتوب که در مدارس تدریس می‌شود، اغلب قدیمی بوده و مربوط به سالیان گذشته است. گاه معلمان نیز از آموزش چنین محتوایی دلزده می‌شوند، لیکن اجبارهای بیرونی آنها را به آموزش این مطالب مجبور می‌کند. چنین اجبارهایی در دفتر تالیف کتب درسی نیز حاکم است، اما در فضای مجازی خوشبختانه چنین اجبارهایی وجود ندارد و معلمان به طور انفرادی یا تیمی، متناسب با موضوعات درسی به تولید محتوا می‌پردازند و سپس آنها را برای دانش آموزان خود در فضای مجازی بارگذاری می‌کنند. در آموزش مجازی علاوه بر وجود محتوای به روز، امکانات دیگری از جمله؛ فیلم، صوت، انیمیشن و... وجود دارد.

کردن فایل‌های مرتبط با مفاهیم درسی، به آموزش و یادگیری پردازد و در مواقع ضروری آنها را مرور کند. یکی دیگر از مزایای آموزش مجازی، بهره‌گیری از محتوای مختصر و مفید می‌باشد. در آموزش حضوری مبنای آموزش کتاب‌های مکتوب می‌باشد که حجم بسیاری داشته و معلم نیز ملزم به آموزش آنها می‌باشد. لیکن در فضای مجازی معلم مختار است که با بهره‌گیری از فای‌های متنوع به تولید محتوا پردازد و آنها را برای فراگیران خود بارگذاری کند. از این رو می‌تواند مطالب مهم را گلچین کرده و به شکل منسجم به آموزش آنها پردازد. در فضای مجازی استرس دانش‌آموزان کاهش می‌یابد و با آرامش بیشتری به دنبال کردن کلاس می‌پردازند. در این رابطه معلم به خوبی متوجه می‌شود که دانش‌آموزی که در کلاس از صحبت



کردن و توضیح بسیار شرم داشت، اکنون با آرامش خاطر و بدون نگرانی صحبت می‌کند. چنین دانش‌آموزی در فضای مجازی می‌تواند تمامی ایده‌های خود را بیان کرده و کم‌کم قدرت برقراری ارتباط را در فضای حقیقی کسب کند. یکی دیگر از مزایای آموزش مجازی این است که در این نوع آموزش در مقایسه با آموزش حضوری، دانش‌آموزان از قدرت اختیار بیشتری برخوردارند و به گونه‌ای این فضا یادگیرنده محور است. در فضای حقیقی برخی معلمان همچنان به کلاس داری خشک و ارباب منشانه اعتقاد دارند و اجازه آزادی عمل را به دانش‌آموزان خود نمی‌دهند. خوشبختانه در فضای مجازی چنین معلمانی به علت دسترسی اولیا، مدیر و معاونین به چارچوب کلاس، چاره‌ای جز خویشتن‌داری نداشته و نمی‌توانند کنترل همه جانبه داشته باشند. در این شرایط دانش‌آموزان فرصت مناسبی برای بیان دیدگاه‌ها و ایده‌های خود دارند.

تنوع ابزارهای ارزشیابی در فضای مجازی، یکی دیگر از مزایای این نوع آموزش می‌باشد. در این فضا معلم می‌تواند با ابزارهای مختلف به ارزشیابی دانش‌آموزان خود پردازد و این تنوع سبب می‌شود که دانش‌آموزان رغبت بیشتری به مشارکت و تلاش داشته باشند.



آموزش در فضای مجازی چه معایبی دارد؟

آموزش مجازی همانند سایر آموزش‌ها در کنار مزایای خود، معایبی را نیز به همراه دارد. دانستن این معایب به ما کمک می‌کند که با بینش روشن‌تر، بتوانیم از امکانات و آموزش در این فضا بهره بگیریم.

معلم قادر است که دانش‌آموزان خود را گروه‌بندی کند اما از میزان و چگونگی فعالیت آنها آگاهی ندارد. از این رو در آموزش مجازی گاهی معلم پروژه‌ای را به گروهی از شاگردان خود محول می‌کند، اما تنها چند نفر آن را انجام می‌دهند و سایر افراد گروه پشت عملکرد دیگران پنهان می‌شوند.

ناآشنایی با فضای مجازی و امکانات آن، یکی از نقاط ضعف آموزش مجازی می‌باشد. این نقطه ضعف بیشتر متوجه معلمان با سابقه است. برخی از معلمان با سابقه علی‌رغم برخورداری از دانش بسیار و اخلاق مطلوب، نمی‌توانند به خوبی در فضای مجازی فعالیت کنند. چنین مشکلی متوجه برخی دانش‌آموزان نیز می‌باشد. از این رو ضرورت دارد که اداره آموزش و پرورش دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و توجیهی برای معلمان و دانش‌آموزان در نظر بگیرد. دشواری ارزشیابی فراگیران، یکی دیگر از ضعف‌های آموزش مجازی می‌باشد. سرعت پایین اینترنت، باعث می‌شود که گاهی در حین ارزشیابی از دانش‌آموز اینترنت قطع شود. این امر سبب می‌شود که او انگیزه و آمادگی برای ارزشیابی دوباره را نداشته باشد و ناراحت و کسل شود. ارزشیابی در فضای مجازی برای معلم نیز دشواری‌های بسیاری دارد. در فضای حضوری معلم می‌تواند به خوبی به دانش‌آموزانش بازخورد بدهد و آنها را متوجه نقایص‌شان کند. ایرادات جزئی آنها را گوشزد کند و سریع‌تر کلاس را به هدف مشخص درس برساند. در فضای مجازی امکان چنین ارزشیابی با کیفیتی وجود ندارد. این امر ضعف یادگیری را در دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزان دیرآموز به دنبال دارد. یکی دیگر از معایب ارزشیابی در فضای مجازی، روی آوردن دانش‌آموزان فرصت طلب به تقلب می‌باشد. در آموزش عالی، امکانی برای شناسایی تقلب افراد در تکالیف دیده می‌شود اما در برنامه شاد چنین امکانی وجود ندارد. عدم وجود تعامل موثر و انگیزه کافی، یکی از معایب دیگر آموزش مجازی می‌باشد. بدون شک تعامل موثر و انگیزه، دو امر مهم و اساسی در جریان یادگیری می‌باشند.

آموزش در فضای مجازی نقاط ضعف و نقاط قوتی را در بردارد. در مقاله پیشین به نقاط قوت این نوع آموزش پرداخته شد. در این مقاله به نقاط ضعف آن پرداخته می‌شود. یکی از نقاط ضعف آموزش مجازی در کشور ما، سرعت پایین اینترنت و نبود زیرساخت‌های کافی می‌باشد. سرعت پایین اینترنت باعث می‌شود که معلمان به سختی بتوانند فیلم‌ها و فایل‌های خود را بارگذاری کنند و زمان بسیاری را برای این کار صرف نمایند. از سوی دیگر نیز تمامی دانش‌آموزان دسترسی به اینترنت پر سرعت نداشته و به سختی می‌توانند فایل‌ها را دانلود کنند. علاوه بر سرعت پایین، در کشور ما زیرساخت‌های فناورانه مناسبی برای آموزش مجازی وجود ندارد. در آموزش عالی سامانه‌های مدیریت یادگیری با کمبودهای بسیار مواجه هستند و در آموزش و پرورش نیز برنامه شاد مشکلات بسیاری از جمله، مشکلات دسترسی، متوقف شدن در بین کلاس و... را به همراه دارد.

عدم امکان آموزش چهره‌به‌چهره، یکی دیگر از مشکلات آموزش مجازی می‌باشد. در فضای مجازی عموماً معلم قادر به مشاهده دانش‌آموزان خود نیست و تنها دانش‌آموزان می‌توانند تصویر او را مشاهده کنند. معلم تنها می‌تواند ویس‌های دانش‌آموزان را گوش داده و تکالیف بارگذاری شده توسط آنها را بررسی کند. این امر سبب می‌شود که ارتباط در فضای مجازی شکل مکانیکی به خود بگیرد و صمیمیت کمتر شود. ارتباط چهره‌به‌چهره، یکی از برانگیزاننده‌های مفید در امر یادگیری است. عدم امکان فعالیت گروهی در فضای مجازی، یکی دیگر از ضعف‌های موجود در این فضا می‌باشد. یکی از آیتم‌های مهم در ایجاد یادگیری مطلوب و عمیق، فعالیت کردن به شکل گروهی می‌باشد.

در فضای حقیقی معلمان به سهولت دانش‌آموزان را گروه‌بندی کرده و میزان و نحوه فعالیت تک تک اعضای گروه را زیر نظر دارند. در صورتی که در فضای مجازی چنین امکانی وجود ندارد.

داده که در فضای
موثر، سبب
دانش آموزان
یادگیری می شود.
با دانش آموزان
نمود دارد. از این
که اولیای آنها در
پایه پای فرزندان
را دنبال کرده و
بپردازند تا مشکل
در آموزش مجازی
در عبارات فوق به
ضعف در رابطه با
پرداخته شد.
نوع آموزش نیز
آموزشها دارای
منفی بسیاری
زمان از وجوه



تجربه نشان
حقیقی تعامل
برانگیختن
به فعالیت و
این امر در رابطه
ابتدایی بیشتر
رو ضرورت دارد
آموزش مجازی،
خود کلاسها
به تشویق آنها
تعامل و انگیزه
برطرف شود.
معایب و نقاط
آموزش مجازی
بدون شک این
همانند سایر
وجوه مثبت و
است. باگذشت

منفی این آموزش کاسته می شود و وجوه مثبت آن قوت می گیرد. در این راستا ما به عنوان دانش آموز یا معلم خواه
ناخواه ملزم به آموزش در این فضا، در شرایط خاص هستیم. از این رو بهتر است که با تلاش خود بتوانیم نقاط ضعفی
را که در این فضا مربوط به خودمان است را برطرف کنیم. سعی کنیم که در کنار بهره گیری از کلاسهای مجازی، میزان
مطالعه خود را چند برابر کنیم.



چگونه می‌توانیم زرنگ‌ترین دانش‌آموز مدرسه شویم؟

زمانی ما می‌توانیم دانش‌آموز زرنگی شویم که علاوه بر درس خواندن، در سایر فعالیت‌ها نیز سرآمد باشیم. بتوانیم کار و درآمد داشته باشیم و از طریق درس خواندن و کارکردن خود را برای آینده روشن آماده کنیم.

در گام دوم ما باید شغل‌های گوناگون را مورد بررسی قرار دهیم و آنها را از حیث اهمیت‌شان در جامعه و نزدیک بودن به توانایی‌ها و علایق خود بسنجیم و در نهایت چند شغل را برای خود انتخاب کنیم. در ادامه به برخی از مشاغل پاره‌وقتی که می‌توانیم در حین تحصیل به آن‌ها بپردازیم اشاره می‌شود. یکی از شغل‌هایی که ما می‌توانیم در حین تحصیل به آن بپردازیم، تدریس کردن است. در این رابطه نقطه شروع ما می‌تواند آموزش به همکلاسی‌های خود باشد. بهتر است که ما با مطالعه درس مورد نظر، خودمان را به خوبی در آن تقویت کنیم. آن‌گاه با اعتماد به نفس و تمرین آماده تدریس شویم. برای کار تدریس می‌توانیم فراتر از همکلاسی‌ها و دوستان خود پیش برویم و در سایت‌های آموزش مانند: استاد بانک، استاد سلام و... به عنوان مدرس خود را معرفی کنیم یا ویدئوهایی از تدریس خود جمع‌آوری کرده و در سایت‌هایی مثل: فرادرس، فرادانش و... بارگذاری کنیم. ممکن است این کار با علایق و انتظارات مادی ما چندان همسو نباشد. لیکن بهتر است به این نکته توجه کنیم که در نقطه شروع قرار داریم و به ندرت به تعداد مخاطبان ما افزوده شده و تا پایان تحصیلات و یافتن شغل مورد نظر می‌توانیم پس‌انداز مطمئنی را برای خود، از این راه داشته باشیم. یکی دیگر از کارهایی که ما می‌توانیم در اوقات آزاد خود انجام داده و به دانش و مهارت خود بیفزاییم، انجام پروژه می‌باشد. برای این کار می‌توانیم به سایت‌هایی مانند: انجام میدم، یونیشا و... مراجعه کنیم و نیاز افرادی که به انجام پروژه نیاز دارند، بررسی کنیم و بر اساس پروژه، اطلاعات خود را بالا ببریم و پس از کسب مهارت‌ها و اطلاعات، اقدام به انجام پروژه کنیم. در کنار شغل‌های نامبرده فوق می‌توانیم بر حسب توانایی خود به مشاغل فنی نیز اقدام کنیم و نیروی جسمانی و ذهنی خود را به کار بگیریم. در این رابطه می‌توانیم در آموزشگاه‌های تاسیسات، تعمیرات خودرو، لوزام خانگی، موبایل و... دوره‌های مرتبط را گذرانده و مشغول به کار شویم.

تواناترین و فعال‌ترین دانش‌آموزان، افرادی هستند که زمان خود را تنها به درس خواندن اختصاص نمی‌دهند. بلکه چندبعدی بوده و در پی فعالیت‌هایی مانند: ورزش، هنر، اشتغال پاره‌وقت و... هستند. پرداختن به فعالیت‌های متنوع از جمله اشتغال، از یک سو ما را از حالت دلزدگی ناشی از درس خواندن بسیار رها می‌سازد و از سوی دیگر ما را در راستای کسب‌وکار با تجربه می‌سازد. هر فرد برای موفقیت لازم است که ذهن خود را فعال سازد و کسب تجربه کند. پس چه خوب است که ما در هنگام تحصیل به دنبال شغل مناسب برای خود باشیم. در این صورت هم به درآمد و پس‌انداز دست یافته و از آن مهم‌تر در آینده با ذهن آگاه فارغ‌التحصیل شده و با شناخت مناسب، شغل مطلوبی را برای خود پیدا می‌کنیم. شاید در نگاه اول پرداختن به شغل‌های پاره‌وقت و درآمد پایین آن‌ها، برای ما جذابیت نداشته باشد، اگر ما زندگی‌نامه افراد مشهور جامعه را مطالعه کنیم درمی‌یابیم که اغلب این افراد از دوران نوجوانی در پی هدفی بوده و مشاغلی را دنبال کرده‌اند و از طریق این مشاغل به مهارت‌های اساسی دست یافته‌اند. در کشور ما اصولاً مدارس و دانشگاه‌ها مهارت‌های چندان‌تری را به ما آموزش نمی‌دهند. از این رو برخی افراد پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، نمی‌توانند شغل مناسبی را بیابند. پس لازم است که ما خودمان در حین تحصیل به دنبال شغل و کسب مهارت‌ها باشیم. شاید سوال پیش آید که ما برای اشتغال باید چه گام‌هایی را طی کنیم؟ برای اینکه بتوانیم توانایی‌های خود را بشناسیم می‌توانیم از پرسشنامه استاندارد شده شخصیت استفاده کنیم. بهترین پرسشنامه‌ای که در این رابطه وجود دارد و می‌تواند توانایی‌های ما را برآورد کند، پرسشنامه طبقه بندی شده هالند (۲۳۹۱) است که خصوصیات شخصیتی دانش‌آموزان را به محیط‌های کاری مرتبط می‌سازد. ما علاوه بر بهره‌گیری از پرسشنامه هالند می‌توانیم ویژگی‌ها و صفات خود و همچنین ضعف‌ها و قوت‌های خود را در دروس مختلف برآورد کرده و در یک صفحه یادداشت کنیم.

مزیت کسب مهارت در این شغل‌ها این است که اگر در آینده در شغل مورد علاقه خود مشغول به کار شدیم، می‌توانیم نیازهای خود را در زمینه فنی برطرف سازیم.

یکی دیگر از مشاغلی که ما می‌توانیم انجام دهیم و نیازی به مهارت و آموزش پیش از کار ندارد، بازاریابی می‌باشد. این کار ما را با بازار آزاد و چگونگی خرید و فروش آشنا ساخته و فن بیان ما را نیز تقویت می‌کند. برای اشتغال به این کار، بهتر است که جذب شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای نشویم. زیرا ورود به آنها مستلزم پرداخت وجوهی هست و ملزم به

که از کیفیت آنها بی‌اطلاع آنها خریدار مناسبی پیدا کانال‌های تلگرامی یا کارگاه‌ها، خود را به عنوان و در صورت همراهی آنها با شان در فضای مجازی به

در کنار تحصیل پرداخته اشاره گردید. بدون شک کمک می‌کند تا بتوانیم به در زندگی خود دست یابیم. شکل مناسب به کار بگیریم در تمامی جنبه‌های زندگی رضایت کنیم.



فروش محصولاتی هستیم بوده و نمی‌توانیم برای کنیم. بهتر است از طریق بازدید از تولیدی‌ها و بازاریاب معرفی کرده تبلیغ و فروش محصولات کسب درآمد برسیم.

در عبارات فوق به اشتغال شد و به برخی مشاغل توجه به این بعد به ما برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری قدر زمان را بدانیم و آن را به و در پایان از پیشرفتی که خود داشته‌ایم، احساس



چگونه می‌توانیم کودک چهارساله را به نقاشی ترغیب کنیم؟

یادگیری و ترسیم نقاشی در کودکان، پیش زمینه یادگیری فعالیت‌های دوران دبستان است. زمانی که کودک ما به کشیدن نقاشی و ادامه دادن به آن علاقمند شود، می‌تواند فعالیت‌های بعدی را با کیفیت بهتری دنبال کند.

((خرگوش کوچولو هویج بزرگی پیدا کرد و دوستانش را صدا زد.)) این راهکار نوعی بازی است که در آن کودک ما از نقاشی کردن خسته نمی‌شود و همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. انتخاب لوازم مناسب برای نقاشی نیز می‌تواند تمایل و قدرت فرزند ما را در کشیدن نقاشی افزایش بدهد. فرزند ما در سن چهارسالگی به خوبی نمی‌تواند رنگ آمیزی کند و با مداد رنگی ارتباط برقرار کند. بهتر است برای او وسایلی همچون، پاستل گچی نرم، پاستل روغنی، گچ خیس، رنگ انگشتی و... تهیه کنیم. استفاده از این لوازم متنوع، هیجان برانگیز است و کودک ما را به نقاشی تشویق می‌کند.

یکی دیگر از راهکارهای ایجاد علاقه به نقاشی و اعتماد به نفس در کودک ما این است که به انتخاب‌های او احترام بگذاریم. کودک ما تخیل بسیار بالایی در سن چهار سالگی دارد و این امر تا سنین دبستان ادامه دارد. ممکن است که او با قدرت تخیل خود اثری خلق کند که برای ما چندان خوشایند نباشد و آشفته به نظر برسد. در این رابطه ما حق نداریم که به او بگوییم که این چه چیزی است که کشیدی باید برگ‌های درخت را رنگ سبز می‌زدی و یا نباید به دستکاری نقاشی کودک پردازیم. اگر ما اجازه بدهیم تا کودک مان بر اساس تخیل خویش به دستکاری واقعیت پردازد و بر اساس علاقه خود پیش برود، به ادامه فعالیت نقاشی علاقمند می‌شود و اعتماد به نفسش افزایش می‌یابد.

تشویق کودک مان به کشیدن خط‌های افقی و عمودی، یکی دیگر از راهکارهای ایجاد علاقه در او به نقاشی است. کشیدن این خطوط علاوه بر ایجاد علاقه در کودک برای نقاشی، سبب می‌شود که قدرت بینایی و خلاقیت او افزایش یابد، همچنین اعتماد به نفسش تقویت شود. نکته قابل ذکر در این رابطه این است که کودک ما هر رنگی را در دست گرفت تا با آن به ترسیم خطوط پردازد، بهتر است که ما آن رنگ را با صدای بلند نام ببریم و در حین کار

فعالیت نقاشی سبب ایجاد حس آرامش و آزادی خیال می‌شود. آرامش، محرک اصلی کودکان برای فعالیت و تلاش است و آزادی خیال، زمینه‌ساز تفکر سازنده در کودک است. از سوی دیگر نقاشی سبب هماهنگی عضلات می‌شود و زمینه‌ساز یادگیری خواندن، نوشتن و ریاضیات است. علاوه بر آن کودک ما به وسیله نقاشی می‌تواند عواطف و دغدغه‌های خود را بر روی کاغذ بیاورد و احساس سبکسالی کند. بر این اساس لازم است که به آموزش نقاشی به کودک خود پردازیم. آموزش نقاشی یا هر آموزش دیگر، باید بدون کنترل و محدودیت کودک انجام گیرد. پس بهتر است که آموزش نقاشی به کودک را به یک کار جذاب و لذت بخش تبدیل کنیم. از این رو باید به ایجاد علاقه در فرزند خود پردازیم. از آن جایی که در این نوشتار مخاطب ما کودکان چهارساله می‌باشد. به راهکارهای ایجاد علاقه به نقاشی در کودکان چهارساله پرداخته می‌شود.

یکی از راهکارهای موثر در تشویق کودک به نقاشی، همراه شدن با او می‌باشد. نشستن در کنار او و تشویق، قوت قلب را در کودک ما بیشتر کرده و با تلاش و دقت بیشتری به این کار می‌پردازد. نکته قابل ذکر در این رابطه این است که باید از پرسیدن سوالات زیاد بپرهیزیم. به ویژه وقتی فرزند ما تازه شروع به نقاشی کرده است. این کار سبب دلزدگی و گاهی خشم نهان در فرزند ما می‌شود. بهتر است تنها نظر فرزند خود را در ادامه کار بپرسیم و یا به او بگوییم که می‌شود در مورد نقاشی‌ای که کشیده به ما توضیح بدهد.

تبدیل داستان به نقاشی، یکی از راهکارهای جذابی است که کودک ما را به کشیدن و ادامه نقاشی ترغیب می‌کند. در این رابطه ما می‌توانیم داستان ساده و کوتاهی را تعریف کنیم و در حین تعریف از فرزندمان بخواهیم که برای آن نقاشی بکشد. به عنوان مثال می‌توانیم داستانی به این شکل تعریف کنیم:

از کودکمان در مورد رنگ‌ها سوال کنیم. زمانی که کودک ما توانست خطوط افقی و عمودی را به خوبی ترسیم کند، ما می‌توانیم کم‌کم او را با اشکال هندسی آشنا کنیم و برای این کار باید از شکل دایره شروع کنیم و کم‌کم کشیدن دایره را به او آموزش دهیم و پس از آن مثلث و سپس مربع را آموزش دهیم.

استفاده از طرح تشویقی، یکی از راهکارهای ایجاد علاقه در فرزندمان به نقاشی است. طرح تشویقی، یکی از ابزارهای تشویقی مورد استفاده معلمان در مدارس است. در این رابطه معلمان بر روی مقوای بزرگ نقاشی‌های متنوعی کشیده و اسامی تمامی دانش‌آموزان را در آن می‌نویسند. هنگامی که هر کدام به لحاظ درسی و اخلاقی پیشرفت کرد، معلم در کنار اسم او استیکر گل، ستاره و... می‌چسباند و زمانی که میزان استیکرها به حد معینی رسید، به دانش‌آموز مورد نظر جایزه می‌دهد. از این طرح نیز می‌توان برای ترغیب فرزندمان به نقاشی بهره‌گرفت و لذت او را از این کار چند برابر کرد. آگاهی کودک ما از روند پیشرفتش در نقاشی، یکی از عوامل ترغیب‌کننده او به نقاشی است. در این رابطه ما می‌توانیم نقاشی‌هایی که فرزندمان در طول یک هفته یا یک ماه کشیده را به ترتیب بر روی دیوار بچسبانیم و در پایان هفته یا ماه موردنظر به همراه او به مقایسه نقاشی‌ها و پیشرفت او بپردازیم. علاوه بر این می‌توانیم نقاشی‌های قدیمی‌تر او را بایگانی کنیم و پس از مدتی به همراه خودش به بررسی بپردازیم.



مسئله آگاهی از دیرباز تاکنون، مهم‌ترین و پرمناقشه‌ترین بحث‌ها را میان متفکران برانگیخته است.

«تمامی زندگی آگاهانه ما معلول این فرایندهای سطح پایین است». اگرچه محاسبه فرایندهای پرشماری که در این سطوح جریان دارد به علت کوچکی و آسیب‌پذیری آنها بسیار دشوار است، مشکلات مهم‌تری در حوزه نظری و فلسفی وجود دارد. پدیده‌های آگاهی «درونی، اول‌شخص و کیفی» اند. اگر بپذیریم این پدیده‌ها رابطه مستقیمی با فرایندهای مغزی دارند، باید بتوانیم این ارتباط را مشخص کنیم. باید به شکل روشنی شرح دهیم که «آتش‌زدن الکتروشیمیایی نورونی در سیناپس‌ها، چگونه موجب پدیده‌های خصوصی، ذهنی و کیفی می‌شوند». دیدن یک درخت، گوش دادن به موسیقی و احساس نگرانی داشتن یا ترسیدن، همگی تجربه‌های کیفی اند. این تجربه‌ها که وضعیت‌های آگاهانه ایجاد می‌کنند، «کوالیا» نام دارند. مسئله اصلی این است: کوالیا چگونه با فعالیت نورون‌ها مرتبط می‌شود؟ به پرسش ارتباط ذهن و مغز در طول تاریخ تفکر پاسخ‌های گوناگونی داده شده است. برخی به نظریه دوگانه‌انگاری روی آوردند. این نظریه نخستین بار توسط دکارت و گالیله مطرح شد و امروزه نیز کسانی مانند پنروز به‌نوعی طرفدار آنند. از نظر آن‌ها، دو جهان متمایز وجود دارد: واقعیات فیزیکی که موضوع بررسی علم‌اند و واقعیات‌های روانی که از حیطة پژوهش علمی خارج است. آگاهی به جهان دوم تعلق دارد؛ بنابراین نمی‌توان آن را به شیوه علمی مطالعه کرد. سرل که به دنبال توضیحی علمی برای تجربه‌های آگاهانه است، این دیدگاه را به وضوح رد می‌کند. در جناح دیگر، گروهی از دانشمندان معتقدند برای گریز از دوگانه‌انگاری، باید آگاهی را به چیزی دیگر فروکاست. برخی همچون دنت آن را به کلی کنار می‌گذارند و منکر واقعیت‌داشتنش می‌شوند. سرل این دیدگاه را نیز نمی‌پذیرد، زیرا از نظر او، نظریه دنت نمی‌تواند مسئله کوالیا را حل کند. طرفداران نظریه فروکاست آگاهی، برای توضیح فعالیت‌های ذهنی به استعاره کامپیوتر متوسل می‌شوند. از نظر آنان، ذهن صرفاً یک برنامه کامپیوتری است.

مسئله آگاهی از دیرباز تاکنون، مهم‌ترین و پرمناقشه‌ترین بحث‌ها را میان متفکران برانگیخته است. امروزه که علم جنبه شگفت‌آور و رازگونه پدیده‌های طبیعی، از جمله بدن انسان را از آنها زدوده و همه آنها را به سازوکارهایی فروکاسته، که با مفاهیم روشن علمی و محاسبات ریاضی قابل توضیح‌اند؛ مسئله آگاهی احتمالاً از معدود مسائلی است که آن را نمی‌توان به راحتی به این‌گونه شرح‌ها فروکاست. فرایندهای عصب‌شناختی و زیست‌شناختی که می‌توان آنها را با مشاهدات تجربی و نظریه‌های علمی توصیف کرد، چگونه موجب شکل‌گیری پدیده‌های آگاهانه می‌شوند؟ از منظر علمی، وقتی محرک‌های بیرونی بر حواس ما اثر می‌کنند، زنجیره‌ای از فرایندها در سلول‌های عصبی ما (نورون‌ها) به کار می‌افتند. حال مسئله این است که «در فاصله یورش محرک‌ها به گیرنده‌های ما و تجربه آگاهی، دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد؟ فرایندهای میانی به چه شیوه‌ای موجب وضعیت‌های آگاهانه می‌شوند؟» یافتن راه‌حل این مسئله، پروژه اصلی جان سرل، متفکر آمریکایی، در کتاب «راز آگاهی» است که در سال ۱۹۹۱ منتشر شد. سرل در این کتاب، نخست چند مورد از مهم‌ترین نظریه‌های علمی در جهان آنگلو‌ساکسون را معرفی و نقد می‌کند؛ سپس موضع خود را شرح می‌دهد. فرانسیس کریک، جرالدا دلمن، راجر پنروز، دانیل دنت، دیوید چالمرز و ایزرائل روزنفیلد متفکرانی‌اند که سرل در این کتاب به نظریه‌های آنها می‌پردازد. پرداختن به مسئله آگاهی به شیوه علمی، در آغاز کار ما را با مشکلاتی جدی مواجه می‌کند. علوم با تعریف چند کمیت می‌کوشند فرایندهای فیزیکی را به شکل واضحی تشریح کنند. هرچقدر هم که محاسبات مبتنی بر این کمیت‌ها پیچیده باشند، می‌توان آنها را با الگویی روشن توصیف کرد. مثلاً از دیدگاه عصب‌شناختی، فرایندهای مرتبط با ادراک در سطوح خرد نورون‌ها و سیناپس‌ها اتفاق می‌افتند. مغز انسان ساختار پیچیده‌ای است متشکل از صدها میلیارد نورون که از طریق سیناپس‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کنند.

ذهن برای مغز همچون نرم افزار برای سخت افزار است. سرل این نظریه را «هوش مصنوعی قوی» می نامد تا آن را از نظریه «هوش مصنوعی ضعیف» که خود به آن معتقد است متمایز کند، یعنی نظریه‌ای که مطابق آن کامپیوتر وسیله‌ای سودمند برای شبیه‌سازی ذهن است. او برای رد نظریه «هوش مصنوعی قوی» چنین استدلال می‌کند:

۱- کامپیوترها صرفاً نمادهای صوری را دست‌کاری می‌کنند و برنامه‌های آنها نحوی اند.

۲- ذهن حاوی درون‌مایه‌های معناشناختی است.

۳- نحو با معناشناسی فرق دارد. به عبارت دیگر، نمی‌توان معنا را صرفاً از فرایندهای نحوی بیرون کشید. ذهن صرفاً نمادهای صوری را دست‌کاری نمی‌کند، بلکه معنای آنها را نیز درک می‌کند. مثلاً وقتی به زبان انگلیسی می‌اندیشیم، واژه‌هایی که به آنها فکر می‌کنیم «صرفاً نمادهای صوری تفسیر نشده نیستند»، بلکه معنای آنها را نیز می‌فهمیم.

اما ماشینی فراتر از

ماشینی بیولوژیکی

چندان غریب به نظر

ماشین‌های بیولوژیکی

ماشین‌هایی مانند قلب

را به خوبی می‌دانیم.

را متمایز می‌کند،

یعنی هوشمندبودنش

می‌کوشد راه‌حلی

بیابد، باید توضیح دهد

مغزی‌اند که موجب

ماشین‌های دیگر را آگاه

این نظریه باید به

گوید. سرل مدعی



مغز یک ماشین است.

یک کامپیوتر، مغز

است. این موضوع

نمی‌رسد، زیرا ما با

دیگری نیز آشنایم،

و کلیه، که کارکردشان

اما آنچه مورد مغز

وضعیت ویژه آن،

است. نظریه‌ای که

برای مسئله آگاهی

که چرا فرایندهای

آگاهی می‌شوند، چرا

نمی‌دانیم. از این رو،

مسئله کوالیا پاسخ

نیست که در کتاب «راز آگاهی» به این نظریه دست یافته و مسئله آگاهی را حل کرده است. او حتی ویژگی‌های این نظریه

را هم شرح نمی‌دهد. از نظر او، ما هنوز نمی‌دانیم که این نظریه به چه شکل است. به زعم سرل، فراهم آوردن چنین

نظریه‌ای کار «عصب‌زیست‌شناسی» است. در حوزه فلسفه، ما باید مسائلی را طرح کنیم که این پژوهش با آنها روبه‌رو

است و نیز با ملاحظات روش‌شناختی برای پرداختن به این مسائل، بکوشیم موانع سد راه آن را برداریم. سرل معتقد

است وضعیت‌های آگاهانه وجود دارند و فرایندهای مغزی موجب آنها می‌شوند: «حال چون می‌دانیم که در واقع، این

وضعیت‌های آگاهانه اتفاق می‌افتند، باید فرض کنیم که حداقل این‌گونه اتفاق می‌افتند اساساً قابل فهم است».

پروژه اصلی شرح رابطه علی آنهاست. اینکه آیا عملاً شرح این رابطه ممکن است را نمی‌دانیم. اما برای پیشبرد پژوهش

«کماکان باید فرض کنیم که آگاهی نه تنها کشف‌شدنی، بلکه به لحاظ نظری نیز فهمیدنی است». همچنین باید مسیرهای

نزدیک‌شدن به مسئله را برای پژوهش تعیین کنیم. آنچه آگاهی را رازآمیز می‌کند ندانستن نحوه کارکرد مغز نیست، بلکه

این موضوع است که «حتی تصور روشنی نداریم که مغز چگونه می‌تواند آگاهی را به وجود آورد». ولی وقتی «این مسئله

زیست‌شناختی» را فهمیدیم، راز آگاهی نیز فاش می‌شود.



برای خواندن مقاله کیوآر را اسکن کنید

